



## درس قواعد فقهیه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۰ مهر ۱۳۹۲

موضوع کلی: قاعده الزام

مصادف با: ۶ ذی الحجه ۱۴۳۴

موضوع جزئی: مستند قاعده الزام: ۱. آیات

جلسه: ۷

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته:

تا این جا استدلال به پنج آیه بیان شد، در چهار آیه اول گفته شد نمی توان به این آیات برای قاعده الزام استدلال کرد، در آیه پنجم که آیه ۴۲ سوره مائده بود، اجمالاً امکان استدلال ثابت شد ولی قدر متیقن از آن آیه این است که در خصومت و نزاع بین پیروان مذاهب و اهل کتاب حکم بر طبق ملت آنها نافذ، مشروع و مجاز است، اما این که آیا در محدوده قاعده الزام قرار می گیرد یا نه، باید بعد از بیان ادله و مفاد آنها ثابت شود.

### آیه ششم:

«وَ كَيْفَ يُحَكِّمُونَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّوْرَةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَ مَا أَوْلَيْكَ بِالْمُؤْمِنِينَ» خداوند خطاب به پیامبر(ص) می فرماید: این ها چگونه تو را به داوری می طلبند در حالی که تورات نزد آنها هست و در آن حکم خداست، و آنها بعد از داوری خواستن از تو چرا روی گردان می شوند؟ این آیه به دنبال آیه ۴۲ که در باره یهود نازل شده بود آمده است، گفته شد در آیه قبل آنها در مسأله مربوط به قصاص یا زنا محصنه مرد و زنی که در طایفه بنی قریظه و بنی نظیر پیش آمده بود از پیامبر داوری خواستند، در این آیه به دنبال آن آیه خداوند می فرماید: چطور شده این ها در حالی که تورات در نزد آنها است و حکم در آن آمده و به آن کتاب و آن آئین ایمان دارند تو را به داوری می طلبند؟ سرّ این مطلب چیست؟ آنها حکم تو که موافق حکم تورات است چون بر خلاف میل شان است نمی پذیرند، چون آنها ایمان ندارند و الا با حکم خدا چنین کاری را انجام نمی دادند.

### تقریب استدلال:

«وَ كَيْفَ يُحَكِّمُونَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّوْرَةُ» چگونه از تو داوری می طلبند در حالی که حکم خدا در تورات آمده است، این مطلب نشان دهنده این است که اگر برطبق حکم خدا که در تورات آمده حکم شود این مشروع و مجاز است، یعنی آنها می توانند بر طبق آئین خودشان فصل خصومت کنند، و چه بسا حتی ممکن است بتوان ادعا کرد که وقتی این آیه میگوید چرا وقتی که خودشان تورات دارند و حکم خدا در تورات آمده نزد تو می آیند؟ شاید این به یک معنا رجحان و اولویت حکم بر طبق تورات

را ثابت کند. پس در مرحله اول جواز رجوع به تورات برای پیروان دین یهود ثابت می شود، ثانیاً به یک معنا حتی اولویت را نسبت به اینکه پیامبر بر طبق شریعت اسلام حکم کند ثابت شود.

### **بررسی:**

این استدلال محل اشکال است؛

اولاً این که گفته شد چرا نزد تو می آیند، از این استفاده رجحان و اولویت حکم بر طبق تورات نمی شود، یعنی خداوند در این آیه می خواهد بفرماید: اگر آنها این کار را می کنند برای این است که آنها ایمان ندارند و حکم تورات را نمی پذیرند چون مخالف میل آنها است، به عبارت دیگر آنها با اصل حکم سنگسار و یا قصاص مشکل دارند، پس آمدن آنها نزد تو بهانه ای برای عمل نکردن به حکم تورات است، چون در ذیل آیه می فرماید: پس از انتخاب تو برای داوری حکم تو را نمی پذیرند با اینکه موافق حکم تورات است ولی چون مخالف میل آنها است این حکم را نمی پذیرند.

پس این لسان، لسان اولویت نیست بلکه آشکار کردن نیت های درونی و پنهان یهودی ها می باشد، و قطعاً از این آیه اولویت استفاده نمی شود.

### **اهتمالات:**

در جمله «كَيْفَ يُحَكِّمُونَكَ وَ عِنْدَهُمُ التَّوْرَةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ» چند احتمال وجود دارد:

#### **اهتمال اول:**

منظور این است که رجوع به آئین و ملت یهود در مخاصمات جایز است و ممکن است آیه بتواند این مطلب را برساند، ولی فقط در مواردی که حکم و قانون آنها موافق با حکم اسلام است، و عِنْدَهُمُ التَّوْرَةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ یعنی حکم الله الذی بَيْنَ فِی الْاِسْلَامِ حکمی که خداوند آن را در اسلام بیان کرده است، یا حکم خداوند که در تورات آمده و در اسلام امضاء شده است.

#### **اهتمال دوم:**

منظور از عِنْدَهُمُ التَّوْرَةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ یعنی در تورات واقعی نه در تورات محرف، چون در تورات محرف حکم الله مبدل و تحریف شده است، اما در تورات واقعی قطعاً هر چه در آن است حکم الله است پس در این احتمال منظور این است این ها مراجعه کنند به تورات و این حکم الله که در تورات آمده اعم از این که در شریعت اسلام نسخ شده باشد یا نسخ نشده باشد.

#### **اهتمال سوم:**

آیه در مقام بیان جواز رجوع به تورات برای داوری نیست بلکه برای بیان این مطلب است که یهودیان با حکم خدا مشکل دارند و فرقی نمی کند حکم خدا در تورات یا در قرآن باشد، اگر واقعاً با حکم خدا مشکل ندارند و اگر واقعاً برای فصل خصومت و داوری نزد تو آمدند، دلیلی ندارد که پیش تو بیایند، به همان چه که در تورات آمده عمل می کردند، چون در تورات حکم خدا آمده است، اما این آیه در مقام بیان دروغ گویی این ها می باشد، و مَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ، این ها اصلاً ایمان ندارند، این ظاهر کار آنها است ولی در واقع به خاطر عدم ایمان به حکم خدا با این که می دانند در یهود هم چنین حکمی است اما به سراغ تو می آیند برای این که از حکم الله فرار کنند، و بعد از آن اگر تو حکم کنی ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ.

بنا بر این احتمال آیه اجنبی از ما نحن فیه می شود، چون لسان، لسان تکذیب آنها است و می گوید آنها به دنبال داوری تو نیستند، و این آیه در مقام بیان جواز رجوع به تورات برای داوری نیست، بلکه برای آشکار کردن نیت و رسوا کردن اغراض یهودیان در آن دوران است. پس اگر آیه در این مقام باشد به درد استدلال برای اثبات قاعده الزام نمی خورد، چون لسان آیه لسان تکذیب و رد آنها است، چون غرض آنها فرار از حکم الله می باشد.

بنا بر احتمال اول هم اجنبی از ما نحن فیه است چون جواز رجوع به آئین و ملت یهود به مواردی که حکم آنها با قانون اسلام یکی است مقید می شود. پس اگر در این مقام هم باشد باز به درد استدلال نمی خورد، چون این در واقع حکم بما انزل الله است نه حکم بر طبق آئین و ملت یهود.

اگر هم منظور احتمال دوم باشد این که تورات غیر محرّف ملاک است و در آن تورات است که حکم الله بیان شده است، این جا فی الجمله می توان گفت طبق این احتمال آیه به نوعی قابلیت دارد برای این که مورد استدلال قرار گیرد چون طبق این احتمال ملاک حکم الله در تورات است، یا همان حکم الله واقعی که در تورات محرّف است. اما یک اطلاقی در آن است، آنچه که در تورات آمده است اعم از این که نسخ شده باشد یا نسخ نشده باشد.

با وجود احتمالاتی که مطرح شد، دیگر نمی توان به این آیه برای اثبات قاعده الزام استدلال کرد و یک نحوه اجمال پیدا می کند اگر چه در بین این احتمالات به نظر می رسد آنچه که با ظاهر آیه موافق است و نزدیک تر به فهم آیه است همان احتمال سوم می باشد.

### نتیجه:

اینکه یا آیه از این جهت اجمال دارد و نمی شود جواز رجوع از آن استفاده کرد، یا اگر اجمال هم نداشته باشد آن احتمالی که در بین احتمالات سه گانه اظهر است احتمال سوم است و طبق این احتمال اجنبی از ما نحن فیه می شود و اثبات جواز مشروعیت حکم بر طبق آئین و مذهب آنها استفاده نمی شود. پس در مجموع این آیه هم برای استدلال مناسب نیست.

### آیه هفتم:

« نَا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَ نُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَ الرِّبَّانِيُّونَ وَ الْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَ كَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءً »<sup>۱</sup> ما تورات را نازل کردیم در حالی که در آن هدایت و نور بود و پیامبران که تسلیم امر خدا بودند با تورات برای یهود حکم می کردند نه تنها انبیاء و پیامبران بلکه علماء و دانشمندان که این کتاب به آنها سپرده شده بر آن گواه بودند، همه اینها بر اساس این کتاب داوری کردند.

این آیه و آیه بعدی (آیه ۴۵) در واقع به دنبال بحث گذشته اهمیت تورات را شرح می دهد، در آیه بعد روی سخن به آن دسته از علماء و اهل کتاب است که در آن دوران زندگی می کردند، خطاب به آنها می فرماید: حکم واقعی خدا را بیان کنید و از مردم نترسید بلکه از من و مخالفت با من بترسید «فَلَا تَخْشَوْا النَّاسَ وَ أَحْشَوْا اللَّهَ وَ لَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا» آیات من را ارزان نفروشید.

۱. سوره مائده آیه ۴۴  
۱. سوره مائده آیه ۴۴

## تقریب استدلال:

اینکه پیامبران و انبیاء، علماء و دانشمندان به این کتاب و بر اساس این کتاب داوری کردند، پس داوری کردن بر طبق این کتاب اشکالی ندارد، الان هم علماء و دانشمندان شان می توانند بر طبق این کتاب داوری کنند، و در ادامه خداوند می فرماید: «وَكُتِبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ»<sup>۱</sup> در رابطه با قصاص است که می فرماید؛ ما بر آنها هم نوشته ایم یعنی بر یهود و علماء و دانشمندان و احبار نوشتیم، که همان قانونی که علماء و دانشمندان و انبیاء بر طبق آن حکم می کردند و گواه بر آن بودند الان هم جائز است بر طبق آن حکم شود و شاهد و گواه بر آن باشد.

## بررسی:

این آیه نیز قابلیت استدلال را ندارد، چون این آیه در مقام حکایت است و می فرماید ما تورات را نازل کردیم که در تورات نور و هدایت بود و انبیاء و دانشمندان و علماء یهود بر طبق آن حکم می کردند، حکایت می کند از کاری که دانشمندان می کردند لذا در ادامه می گوید: فَلَا تَخْشَوْا النَّاسَ وَ اَخْشَوْا اللَّهَ هَمَانِ طُورِ كِهْ كُذْشْتِگَانِ بَرِ اَسَاسِ اِینِ كِتَابِ دَاوَرِیِ مِی كَرْدَنْدِ شَمَا هَمِ اَز مَرْدَمِ تَرَسِیدِ وَ حَكْمِ خُدا رَا بِیَانِ كَنِیدِ.

ممکن است ادعا شود این آیه به ملاحظه قبل و بعدش، نشان می دهد الان هم می توانند داوری کنند و ممکن است از مجموع کنار هم قرار دادن این آیات بتوان چنین ادعایی را کرد و چنین احتمالی را پذیرفت، ولی در این جا بحث در خود این آیه است. پس این آیه در مقام بیان حکایت است و جواز رجوع به علماء و دانشمندان آنها برای فصل خصومت استفاده نمی شود.

## آیه هشتم:

«وَلِيُحْكُمَ أَهْلَ الْأَنْجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»<sup>۲</sup> اهل انجیل هم باید به آنچه خداوند در آن نازل کرده حکم کنند و کسانی که بر طبق آنچه خداوند نازل کرده حکم نمی کنند فاسق هستند. در این جا هم با توجه به آیات گذشته که در آن به نزول انجیل اشاره شده، در این آیه می فرماید: وَلِيُحْكُمَ أَهْلَ الْأَنْجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ، یعنی ما به آنها دستور دادیم بر طبق آنچه خدا در انجیل نازل کرده داوری کنند، پس اهل انجیل باید بر اساس انجیل داوری کنند و این همان مفاد قاعده الزام است.

طبق این بیان می توان گفت، همان طور که در گذشته آنها بر اساس انجیل داوری می کردند الان هم باید بر اساس انجیل داوری کنند، پس جواز رجوع پیروان هر دین و مذهبی به دین و مذهب خودشان اثبات می شود. و این مفاد قاعده الزام می باشد.

## اهتمالات:

### احتمال اول:

اینکه وَلِيُحْكُمَ به نصب خوانده شود، لام در وَلِيُحْكُمَ با تقدیر آن ناصبه به معنای لِأَنَّ يُحْكَمُ یا به معنای لِكَيْ يُحْكَمَ یا كَيْ يُحْكَمَ باشد، اگر وَلِيُحْكَمَ را منصوب بدانیم چنانچه بعضی این را به نصب قرائت کرده اند، معنایش می شود که خداوند انجیل را نازل کرد تا اهل انجیل بما انزل الله حکم کنند، در این صورت لام در وَلِيُحْكَمَ متعلق به آیتناه الانجیل می شود، که در آیه قبل آمده است

۲. سوره مائده آیه ۴۵

۳. سوره مائده آیه ۴۷

«آتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَ نُورٌ وَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ» طبق قرائت نصب لیحکم متعلق به آئیناه می شود و غایت آئیناه می شود. اگر این احتمال در نظر گرفته شود آیه را نسبت به قاعده الزام اجنبی می کند چون غایت دلالت آیه این است که انجیل را نازل کردیم تا بما انزل الله حکم شود در زمان سابق، ولی آیا در این زمان (زمان پیامبر) به آن حکم شود، آیه چنین دلالتی را ندارد. پس بنا بر نصب به هیچ وجه نمی توان به این آیه استدلال کرد.

«الحمد لله رب العالمين»